

آنها خواب بازگشت را می‌بینند!

ارژنگ بامشاد

نیم قرن پیش، کودتایچیان سرسپرده آمریکا و انگلیس، با حمایت همه‌جانبه‌ی آنها، با استفاده از مشتی‌نویزی مزدور و اراذل و اوباشی هم‌چون شعبان بی‌مخ‌ها، با هم‌کاری و حمایت مرتجعین مذهبی به رهبری کاشانی، و با به‌کارگیری ارتش، و با استفاده از انفعال غیرقابل‌بخشش نیروهای متشکل مردمی و عدم تلاش‌شان برای سازمان‌دادن مقاومت مردم، دست به کودتا زدند و دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون ساختند و سلطنت پهلوی را مجدداً بر اریکه قدرت نشاندهند. حکومت کودتا، با درهم شکستن دولت مصدق، به تلاش‌های او برای ایجاد آزادی و استقلال در کشوری استبدادزده، بر پایه خواست‌های انقلاب مشروطیت پایان داد، تا دست غارت‌گران غربی برای چپاول نفت و دیگر ثروت‌های ملی باز بماند و ایران نقش کلیدی در راه مطامع امپریالیستی در منطقه‌ی حساس خاورمیانه بازی کند. وظیفه‌ای که یک ربع قرن، محمدرضا پهلوی و دستگاه اداری-اجرایی و نظامی‌اش به خوبی انجام داد.

مردم ایران وقتی بساط این حکومت وابسته به منافع خارجی را در هم شکستند، و تلاش کردند در راه تحقق آرزوهای دیرینه برای بدست آوردن آزادی، استقلال و برابری، موانع را از سر راه بردارند، اسیر بختک جمهوری اسلامی شدند که محصول مستقیم استبداد پهلوی بود و نه تنها در راه رسیدن به خواست‌های انقلاب مردم گامی برنداشت، بل که چنان استبداد سیاهی حاکم کرد؛ چنان توحش مهارگسیخته‌ای سازمان داد؛ چنان جنایات هولناکی انجام داد؛ چنان ویرانی همه‌جانبه‌ای در کشور ایجاد کرد، که بسیاری از مردم، جنایات و تباهی‌های دوران سلطنت پهلوی را به فراموشی سپردند. بر پایه این فراموشی، وارثان آن کودتای ننگین، امروز مجدداً خواب بدست آوردن نقش و جایگاه گذشته در کشور را در سر می‌پروراندند. آنها با اتکا به این نقش مخرب جمهوری اسلامی، تلاش همه‌جانبه‌ای آغاز کرده‌اند که مردم را به فراموشی جنایات دوران پهلوی وادارند و حتی تاریخ را به روایت دیگری بنویسند.

وارثان کودتا، امروز، از یک سو به نارضایتی مردم و ضدیت همه‌جانبه‌شان با حکومت دینی چشم دوخته‌اند، و از دیگر سو به کرامات دولت آمریکا و سیاست‌های جدید دولت بوش برای تسلط همه‌جانبه بر منطقه استراتژیک خاورمیانه و آسیای میانه. حالا یک بار دیگر، شرایطی ایجاد شده که دولت آمریکا تحت رهبری جورج بوش و جناح‌ها را محافظه‌کاران آمریکا، پس از تسخیر افغانستان و کشیدن نقشه برای دخالت نظامی در عراق، ایران را در نوبت دخالت گسترده و آشکارتر خود قرار داده است. همین سیاست، سلطنت‌طلبان و وارثان کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را سخت امیدوار ساخته است. سلطنت‌طلبان که همواره سیاست‌شان، وابستگی به خارجی، تلاش برای انفعال مردم و تکیه بر ارتش برای حکومت بوده است، این بار فرصت را غنیمت شمرده و تلاش‌شان برای تسلط مجدد بر کشور را صد چندان کرده‌اند. تأملی بر تبلیغات گسترده‌ی آنها، نشان می‌دهد که آنها نه تنها نیازی به سازمان‌دهی مستقل مردم حس نمی‌کنند، بلکه تلاش همه‌جانبه‌ای نیز انجام می‌دهند که مردم تنها به صورت گله‌وار به تکرار شعارها و برنامه‌های آنها که حول یک شخص سازمان خواهد یافت، بپردازند و از خود اراده‌ای سازمان ندهند. نقش رسانه‌های سلطنت‌طلب در جریان حرکت‌های دانش‌جویی و جوانان، دقیقاً اجرای همین سیاست ممانعت از تشکیل‌یابی مستقل مردمی و حرکت کور و گله‌وار بوده است.

اکنون نمی‌توان کتمان کرد که مردم ایران نه تنها اسیر جنایات یک حکومت دینی تا دندان مسلح هستند، بلکه ارتجاع خلع شده با اتکا به قدرت خارجی، برای تسلط بر آنها دندان تیز کرده است. استبدادی که با فریب‌کاری در زوروق دموکراسی‌طلبی و آزادی‌خواهی پوشیده شده است. چنین وضعیتی بر بطن حوادث طوفانی کشور، بشدت خطرناک است. زیرا سلطنت‌طلبان برای به کرسی نشاندن آرزوی بازگشت به کشور و یافتن نقش و جایگاه گذشته، اگر بخواهند از شیوه‌های گذشته استفاده کنند، با توجه به عدم نفوذ و حضورشان در ارتش، مجبورند به نیروی خارجی متکی شوند. چنین اتکایی، وضعیت کشور

را به شدت مخاطره‌آمیز خواهد کرد. اما اگر آن‌ها نتوانند استبداد مطلوب خود را بر کشور حاکم کنند، در آن صورت تلاش کنونی‌شان برای منفعل کردن مردم و جلوگیری از تشکیل‌یابی مستقل‌شان، راه را برای انواع و اقسام آلترناتیوهای ارتجاعی و سناریوهای خطرناک دیگر باز خواهد کرد. به دیگر سخن اقدامات کنونی سلطنت‌طلبان، این وارثان کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، راه را برای تکوین شرایط فاجعه‌آمیز در کشور هموار می‌سازد.

اگر امروز در مقابل این خطرات بالقوه، بسیج همه‌جانبه‌ای صورت نگیرد؛ اگر از همین امروز تمامی آزادی‌خواهان، نیروهای دمکرات و جمهوری‌خواه، برای مقابله با این ابرهای تیره، دست در دست هم ندهند و گفتمان دمکراسی را به گفتمان حاکم کشور تبدیل نکنند؛ اگر این نیروها مبارزه و مقاومت مردم را به صورت فعال سازمان ندهند و آن‌ها را در شکل‌دهی به تشکلهای مستقل‌شان یاری نرسانند، آینده‌ی تیره‌وتاری در انتظار کشور و مردم رنج‌دیده‌اش خواهد بود. فردا ممکن است خیلی دیر باشد.